

شیوه های بنیادی در معماری اسلامی عبارتند از: الف) شیوه مصری (این شیوه از معماری کهن مصر ریشه گرفته و در کشورهای اسلامی شرق آفریقا مصر، سودان و حجاز می باشد). ب) شیوه شامی (این شیوه از هنر و معماری بیزانس ریشه گرفته و کشورهای سوریه، فلسطین، لبنان، اردن و بخشی از ترکیه را در بر گرفته و دارای ویژگی مشترکی با شیوه مصری است). ج) شیوه مغربی (این شیوه بسیار چشمگیر و پیشرفته است و در بر گیرنده کشورهایی مثل مراکش، الجزایر و جنوب اسپانیا می باشد. د) شیوه ایرانی (این شیوه از همه ارزشمندتر و گسترده تر بوده و در برگیرنده کشورهای مثل عراق، ایران، افغانستان، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، هند و اندونزی می باشد و بخشی از شیخ نشینان خلیج فارس)

سبک شناسی معماری ایرانی در طی شش شیوه بررسی می شوند که عبارتند از :

1- پارسی 2- پارقی (دو مورد اول پیش از اسلام است) 3- خراسانی 4- رازی 5- آذری 6- اصفهانی (4 مورد دیگر پس از ظهور اسلام

می باشد).

هنر معماری ایران از دیر باز دارای چند اصل بوده که عبارتند از : 1- مردم واری 2- پرهیز از بیهودگی 3- نیارش 4- خود

بسندگی و درون گرایی

مردم واری چیست : مردم واری به معنای رعایت تناسب میان اندام های ساختمانی با اندام های انسان و توجه به نیازهای او در کار

ساختمان سازی است.

برای جلوگیری گرما به به درون ساختمان، از ارسی بهره می بردند یا دیوار و سقف را دو پوسته می ساختند تا لایه ای عایق جهت

جلوگیری از گرما باشد «کلمه ارسی به معنای گشاده یا باز می باشد»

پرهیز از بیهودگی چیست : در معماری ایرانی تلاش شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز کنند، این اصل هم

پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات شده است. گره سازی با گچ و کاشی و حشت و آجر و اندود، بخشی از کار بنیادی ساختمان است.

مثلاً اگر نیاز باشد در زیر پوشش سقف، عایقی در برابر گرما و سرما ساخته شود، یا افزار بنا که ناگزیر پُر و پیمون است و نمی تواند به

دلخواه معمار کوتاهتر شود، تنها با افزون کاربندی می توان آنرا کوتاهتر و «باندام» و مردم وارد کرد. اگر ارسی و روزن با چوب یا گچ و

شیشه های رنگی گره سازی می شده، برای این بوده که در پیش آفتاب تند و گاهی سوزان، پناهی باشد تا چشم را نیازارد و اگر گنبدی از نیزه تا پاکار با کاشی پوشیده می شود تنها برای زیبایی نیست، وانگهی باید دانست که واژه «زیبا» به معنی زیبنده بودن و تناسب داشتن نه قشنگی و جمال.

نیارش چیست : نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و مصالح شناسی گفته می شود. معماران گذشته به نیارش ساختمان بسیار توجه می کردند و آنرا از زیبایی جدا نمی دانستند.

خود بستدگی چیست : معماران ایرانی تلاش می کردند مصالح مورد نیاز خود را از نزدیک ترین جاها بدست آورند و چنان ساختمان می ساختند که نیازمند به مصالح جاهای دیگر نباشد و خود بسنده باشند، بدین گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می شد و ساختمان با طبیعت پیرامون خود ساز و ارتر در می آمده است و هنگام نوسازی آن نیز همیشه مصالح آن در دسترس بوده است. معماران ایرانی بر این باورند که مصالح باید « بوم آورد» یا «ایدری» (اینجایی) باشد. به گفته دیگر فرآورده (محصول) همان جایی باشد که ساختمان ساخته می شود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره گیری شود. یک نکته مهم در معماری ایرانی این است که اساساً

یکی از انگیزه های بنیادی در ساخت سقف های خمیده و گنبدی و بهره گسترده از آنها، این بود که چوب مناسب برای ساختمان سازی در همه جا یافت نمی شده، ولی خشت و آجر بسیار و در دسترس بوده، و معماران هم دست به نوآوری‌هایی زدند که با خشت و آجر بتوان دهانه های بزرگ را پوشش داد.

درونگرایی چیست : یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر بگونه ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. معماران ایرانی با ساماندهی اندامهای ساختمان در گرداگرد یک چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد. خانه های درونگرا در اقلیم گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد. خانه های درونگرا در نقاط میانی کشور و گرم و خشک و مناطق کویری ساخته می شده، خانه های درونگرا، پاسخ در خوری برای خشکی هوا، بادهای آزار دهنده، شن های روان و آفتاب تند هستند.

نکته : کوشک ها ساختمانهای بی برونگرا هستند که گرداگرد آن باز بوده و از هر سو به بیرون راه دارد، خانه های برونگرا در برخی از

نقاط ایران مثل کردستان، لرستان و شمال ایران ساخته می شده «کوشک برابر همان پاپیون فرانسوی است»

شیوه پارسی :

معماری پیش از شیوه پارسی عبارتند از : 1- محوطه تاریخی مراغه (دشت قزوین) 2- تپه سیلک 3- چغازنبیل (ایلام)

4- هگمتانه، نوشیجان تپه (مادها، آریائیها)

بناهای معروف دوره پارسی : 1- پاسارگاد 2- آرامگاه کوروش در پاسارگاد 3- کاخ شوش 4- تخت جمشید 5-

آرامگاههای نقش رستم .

شیوه پارسی نخستین شیوه معماری ایران است، نام این شیوه از قوم پارس برگرفته شده است، تپه زاغه یکی از مراکز اولیه استقرار

کشاورزی در ایران است. « در این شیوه» از ویژگی های این مکان بافت متراکم، ترکیب انواع خانه ها و ساخت معابر می باشد. در این تپه

خانه ها بصورت مستطیل شکل بوده و عرض کم در مسیر باد بوده که دارای سطح کمتری بوده و در نتیجه باد نمی توانسته خرابی ببار

آورد.

در این تپه، در معابر برای تزئینات بیشتر علاوه بر رنگ آمیزی در دیوارهای معبد، سر بز کوهی نیز روی دیوار کار گذاشته شده بود، اینها فقط جنبه تزئینی نداشته و احتمالاً با عقاید خاص مذهبی این اقوام رابطه داشته است. ایلامیان از هزاران سال پیش در دشت خوزستان خانه گزیده بودند و مرکز تمدن ایلامیان شهر شوش بود. یکی از آثار مهم آنها زیگورات چغازنبیل نزدیکی شوش است. این بنا از خشت ساخته شده و روی آن با آجر نماسازی شده است. از دید نیارشی، یکی از کهن ترین تاقهای تیزه دار هنوز در چغازنبیل بر جای مانده است. روش آجر چینی تاق بگونه «هره» است که به آن «رومی» گویند. مصالح آن بیشتر خشت و آجر و ساروج می باشد. چغازنبیل در 40 کیلومتری جنوب شرقی شوش می باشد.

ایلامیها به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و وقتی یکی از آنها می مُرد، حتی اگر فقیر، در قبرش یک کوزه یافت می شد. ورودی معابد ایلام بوسیله مجسمه های شیر، گاو نر و نوعی سگ محافظت می شد، احتیاجی نبود که این مجسمه ها ابعاد عظیمی داشته باشد. سقف معابد صاف و متشکل از چند ردیف تیر چوبی بود. جالبترین ویژگی معبد سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب شده

است. سنگ نبشته های ایلامی میانه، ثابت می کند که این شاخهها، جزء مهمی از هر معبد را می ساختند چون نماد الوهیت بود. طریق ورود به معابد بصورت مورّب می باشد، نه مستقیم چرا که یک مسیر مستقیم، توهین به معابد تلقی می شده است.

قوم ارارتو (قبل از آریائیها): روش نیارشی ساختمانهای ارارتو، تیر و ستون با سقف تخت بوده است، ساختمانهای آنها چهار گوش بوده و نیایشگاههایی با تالاری ستون دار داشتند که بیشتر روی سکو ساخته می شده. آنها ستونها را با سر ستونهای پیچک دار می

آراستند و مصالح اصلی آنها سنگ و چوب بوده است. آنها گونه ای ساختمان داشتند بنام « کلاوه » که ساختمانهایی دو طبقه بودند و بدلیل امنیت تنها در طبقه بالای آن زندگی می کردند و با نردبان به آن دسترسی داشتند و طبقه پائین را به جای انبار استفاده می کردند. از نمونه های ساختمانهای اراتویی می توان آثار تپه حسنلو از سده نهم ق.م و دژهای پیرامون دریاچه وان را نام برد.

پارسها (مادها): یکی از ساختمانهای باز مانده از مادها تپه نوشیجان است، ساختمان مرکزی آن دارای چند تالار است که این کشیدگی منطق ایستایی نیز دارد. تاقها از گونه جناغی هستند که به روش ضربی آجرچینی شده اند. دیوارها به اندازه کافی ستر ساخته شده اند تا بتوانند جلوی رانش تاق ها را بگیرند. گرداگرد ساختمان تاق نماهایی با چند جناغی زده شده است. طرح این گونه ساختمانها پس از

اسلام در آرامگاه شیخ علاء الدوله بیابانکی در صوفی آباد سمنان و در آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقان نزدیک شاهرود و در برخی چکاده‌ها و کلاه فرنگی‌ها دوباره بکار گرفته شده و موزه ایران باستان در روزگار معاصر با این طرح ساخته شده است.

استودانها: نمونه دیگر معماری مادها، استودانها هستند. در آن زمان بدترین کارها را آلوده نمودن چهار عنصر یعنی آب، خاک، آتش و

هوا می دانستند، و به همین دلیل مردگان را خاک نمی کردند. استودان در واقع اتاقکهایی هستند که در دل کوه می کنند تا

استخوانهای مرده‌ها را در آن بگذارند. آثار به جای مانده: 1- بنای دکان داوود (سرپل ذهاب) 2- فخر یکه (کردستان) 3- سکاوند

(سقر) 4- داود اختر 5- صحنه 6- نقش رستم - می باشند.

یکی از ویژگیهای ایرانیان کهن و هنرمندان، آنها باور به تقلید درست بوده که آنها بهتر از نوآوری بد می دانستند. تقلید یا برداشتی که

منطق داشته باشد و با شرایط زندگی سازگار باشد. آریائیه‌ها چون کشاورز بودند و در سرزمینی آباد و خرم می زیستند، خوبی آشتی جو و

سازگار داشتند. آریائیه‌ها در هنگام کوچ در برخورد با معماری ارارتویی، از آن الگو گرفته و آنها «برساو» کرده اند.

برساو چیست : الگو گرفتن از نگارهای طبیعت و دگرگون کردن آنها به ریخت های ناب هندسی است. ایرانیان کهن، تقلید از طبیعت را

ناپسند می شمردند برای همین نگاره ها را بگونه «یله» (آزاد) که امروز به آن برداشت انتزاعی یا ذهنی می گویند، کار می کردند.

نمونه هایی از این الگوبرداری در معماری و هم در نیارش شیوه پارسی یافت می شود که دو نمونه آن «تالار ستوندار» و «کلاوه ها» بوده

است. در معماری پارسی با بکار بردن خشت و پوشش دو پوسته تلاش می کردند جلوی ورود گرما به درون را بگیرند.

نیارش پارسی : در معماری پارسی، سقفها تخت و با تیر و ستون اجزاء اصلی ساختمان را می ساختند، از چوب به سادگی برای پوشش

دهانه هایی از 40 تا 55 متر بهره گیری می کردند. پارسیان اتاقهایی می ساختند که دو ستون در میان آن بود و دو تیرچوبی را بر روی

هم با کف می بستند و روی ستونها می گذاشتند، بدین گونه به توانایی باربری تیر می افزودند. در این دوره تیر ریزی سقف بصورت

مربع (شطرنجی) در آمد تا سطح اتکای بیشتری داشته باشد.

آرایه پارسی : در شیوه پارسی، آرایه هایی (تزئیناتی) بکار رفته است که هر کدام منطق خاصی داشته اند. در دخمه های «مادی» سر

ستون هایی بر دیوار کنده شده که همانند سر ستونهای ایرانی یونانی هستند. شاید بتوان منطق دست یافتن به این ریخت ها را چنین

پنداشت که چون برای سوار کردن و نگهداشتن دو تیر در کنار هم بر بالا و دو سوی یک ستون، آنها را با یک ریسمانی بنام کُبال بهم می پیسته اند و سپس تخته ای روی آنها برای بالشتک می گذاشتند، این چفت و بست و پیچش ریسمانی سر تیرها کم کم دگرگون شده و همانندی چون سر ستونی ایوانی پیدا کرده است در تخت جمشید این نوع آرایه یافت می شود. همچنین سر ستونهای کله گاوی در گودی پشت آنها سر تیرها جای می گرفته اند و از دانش آنها جلوگیری می شده پس هر کدام از این آرایه ها در عین اینکه آذین بشمار می رفتند دارای منطقی نیارشی هم بوده اند. پارسیان همواره این گفته، ارزشمند را پاس می داشتند که «آزموده» را نباید دوباره آزمود. معماری دوره نخستین شیوه پارسی بر گرفته از اراتوها بود (آرامگاه کوروش در پاسارگاد). یکی از ابداعات هخامنشیان الگوی چهارباغ بوده است.

ساختمانهای تخت جمشید نزدیک به پنج سده پیش از میلاد ساخته شده اند عبارتند از :

1- پلکان بزرگ ورودی 2- دروازه ملل 3- آپادانا 4- تالار صد ستون 5- ورودی کاخ مرکزی 6- کاخ داریوش 7- تالار خشایار 8-

تالار شورا 9- خزانه شاهی می باشند. « در تخت جمشید درونگرایی بکار رفته است»

اجزای نیارشی تخت جمشید، تیر ستون بوده و از چوب در ساخت تیر پوش های تالار آپادانا بهره گیری شده، دیوارها بسته می باشد، نمادی بیرونی از تخته سنگ و نمادی درونی از کاشی لعاب دار می باشد. ستونهای تخت جمشید از بلندترین ستونهای زمانه خودش بوده. سر ستونها بگونه کله گاوی، کله شیری و کله عقابی حجاری شده اند. بر روی این ستونها تیر اصلی گذاشته می شده، نوع ستونها در درون و بیرون آپادانا با هم متفاوتند. رعنائی ستونها حیرت انگیز است، شیارهای به هم فشرده این ستونها، ارتفاع آنها را نمایانتر می کند و پایه های بلند و سر ستونهای چند طبقه منقش به نقوش حیوانات خیالی، به این ارتفاع، ارزش و اعتبار بیشتر می دهند، این ستونها تناسبات فضایی را تثبیت می کنند. در معماری پارسی جسارت زیادی دیده می شود. می توان گفت در تمام جهان برای اولین بار جسارت معماری از حد خود فراتر می رود و تالارهای ستون دار بوجود می آید. در این تکنیک برای کاهش هر بیش فاصله های بین دو محور ستونها، از سر ستونهایی استفاده می شد که قسمت بالایی بصورت دو شاخه یا چند شاخه است. هنر هخامنشی آغازگر انواع بیان معماری است که بعدها درگر جریان جستجوی نوعی عمود گرایانه روینده و فشرده می شود. عروج هخامنشی به سوی اوج، ارتباطی کاملاً منطقی با سایر رفتارها و قانونمندیهای معماری دارد و با آن ممزوج است. قبل از همه وجود پایدار و مسلم کرسی بندیهای مرتفع و دیوارهای خاکریزی شده

جلب توجه می کنند که به بنا شخصیت می دهند و آن را متجلی و برپا می دارند و موجب نوعی فراخی و گستردگی می شوند. آتشکده ها تماما به شکل برج هستند، همدانیها گواه بر عروج اندیشه های فوق انسانی و ملکوتی هنری منسجم، آزاد، مستقل و باشکوه است. معماری پارسی مبتنی بر تکرار یاخته های مربعی شکل است، که سابقه ای بسیار کهن دارند. این معماری بر خلاف معماری یونان، انسان را ناخودآگاه متوجه آسمان می کند و این برگرفته از بعد سوم قائم الزاویه (بعد عمودی) می باشد. در معماری پارسی خیلی به فرم ستونهای بلند فرم چهار ضلعی بودن تالارها و حالت ورودی ها توجه شده است. درونگرایی اصل معماری پارسی می باشد. طرح ساختمانها به گونه ای است که استفاده بهینه از نور و تابش آفتاب را می کردند. در معماری پارسی در کلیه بناها جهت شرقی، غربی را رعایت می کردند، «در این دوره آجرها میناکاری شده بودند» و سر ستونها کله گاوی بودند. معماری پارسی به تزئینات داخلی اهمیت فراوان می داد. در این دوره آباد کردن باغها در راس تمام کارها بود، زیرا در منطقه فارس بدلیل گرمای سوزان کویر، فقط وجود باغهای سرسبز می توانست آرام بخش انسان باشد.

بطور کلی ویژگیهای شیوه پارسی را می توان چنین برشمرد: از دید معماری: 1- بهره گیری از شیوه اراتو در طرح فضاهای راستگو شد، تالارهای ستوندار و کلاوه ها 2- ساخت ساختمان روی سکو و تختگاه 3- درون گرایی (بویژه در تخت جمشید و شوش) 4- ارتباط دادن بخشهای فرعی (همچون آشپزخانه) با راههای پنهانی به ساختمان اصلی 5- ساخت سایبان و آفتابگیر در جاهای ضروری 6- زیباسازی پیرامون ساختمانها، تالارها، آپادانا با استخر، آبنا و پردیس.

از دید نیارش: 1- روش سقف تخت چوبی و شیبدار با تیرریزی عمود بر هم و دهانه های بزرگ با تیر چوبی سخت بریده و درودگری شده 2- دیوارهای جدا کننده با خشت 3- بهره گیری از سقف خمیده و تاق در زیرزمین 4- سنگ بریده و منظم و پاکتراش و گاه صیقلی، در بنا از بهترین و مرغوب ترین مصالح استفاده می شده 5- دقت در ساختن و در ریسمان کشی ستونهای تخت جمشید، آنقدر این مطلب دقیق هستند که میلیمتری اختلاف ندارند. 6- پی سازی با سنگ لاشه و گاورس 7- نماسازی بیرونی با سنگ تراش و نماسازی درونی با کاشی لعاب دار 8- پرداخت کف با بهترین مصالح

از دید آرایه (تزیین): 1- بهره گیری از پایه ستون و سر ستون، آرایش سر ستون ها با جزئیاتی که برای بارگذاری تیرچه های چوبی کاملا متناسب و منطقی باشد.

2- آرایش درگاهها و سردرها با بهره گیری از تاقچه بندی

3- آرایش فضاهای درونی با کاشی لعاب دار

4- آرایش پلکان های کوتاه و مالرو، با نقش برجسته و کنگره های زیبا

«روشنی بناهای پارسی از روزنه های مشبک بالای درگاهها تامین می شده».

شیوه پارتی:

بناهای معروف این دوره عبارتند از: 1- نیایشگاه آناهیتا (کنگاور) 2- کاخ الحضر 3- مجموعه نساء 4- کاخ آشور 5- کوه خواجه 6- بازه

هور (نخستین چهار طاقی) 7- آتشکده فیروزآباد 8- قلعه دختر 9- آتشکده نیاسر 10- تاق کسری 11- بیشاپور 12- کاخ سروستان

13- کاخ قصر شیرین

تیره پارتوآیا «پارت» یکی از شاخه های نژاد آریایی ایرانی است که در کتیبه دارویوش اول، سرزمین آنان «پرتو» نامیده شده است. همین نام بعدها به «پهلو» مبدل شده و مرکز استقرار آنان شمال خراسان کنونی بوده است. «در معماری یونان تکرار زیادی در بناها دیده می شود» در دوره پارتی دو ساختمان را نمی توان یافت که در طرح کاملا همانند به هم باشند، هر کدام ویژگی خود را دارند و این ویژگی در شیوه پارتی زیاد به چشم می خورد در این ساختمانها از اصل قرینگی و ناقرینگی بهره گیری شده است. در این دوره در نوع ساخت تنوع زیاد دیده می شود. در کلیه ساختمانهای ایرانی شیوه کلی یکی است اما جزئیات تفاوتهایی دارد که به این حالت اصطلاحا «کلاسیک» گویند. در این دوره یکی از دلایل کنار گذاشتن معماری یونانی در ایران بعلت نوع مصالح آن است. چون در یونان و رم معادل سنگ ساختمانی خوب و بدون رگه یافت می شود. اما در ایران این نوع سنگها بخصوص در کویر کم یاب است، بطور کلی کاربرد سنگ با اقلیم ایران هماهنگی نداشته، به این دلیل در مناطق کویری خشت بسیار مورد استفاده قرار می گرفته است. در این دوره (پارتی) استفاده از شکوه و بلندای زیاد به چشم می خورد. پارتها به دنبال معماری یونانی و معماری پارسی نرفته اند. در این دوره سعی شده است که از مصالح بوم آورد (علی) استفاده کنند، به همین دلیل به نوآوری بزرگی در طول تاریخ بشر دست یافتند که همان پوششهای تاقی در دهانه

های بزرگ و گنبدها در زمینه چهارگوش می باشد. پارتها از معماری کهن، بویژه معماری مادها و ایلامی ها بهره گرفتند. در این دوره از آجر بسیار کار گرفته شد و با استفاده از آجر پوشش گنبدی بر فضای مکعب را ویژه خاص این دوره کردند. قدمی ترین محل سکونت پارتها در نساء است که فاصله زیادی با عشق آباد ندارد. در دوره پارتی سقف ها بر روی چهار ستون بزرگ، چهار ترک قرار می دادند بطوریکه اتاق را به سه راهرو تقسیم می کردند. در این دوره تاق زنی و تکامل ایوانها به چشم می خورد. در این دوره می توان ترکیب ایوان، و میاسزا و فضاهای وابسته را دید. در این دوره نیز از درونگرایی استفاده شده است. یکی از بناهای با عظمت این دوره قلعه دختر فیروزآباد می باشد. گچ بریهایی که در این دوره در کاخ بیشاپور انجام شده را می توان مادر گچ بریها دانست. در این دوره از تناسبات طلایی کاربرد زیادی داشتند (تاق کسری). «در معماری ایران از چند نیم دایره بهره گیری نمی کردند».

ویژگی های مهم دوره پارتی عبارتست از: از دید معماری: 1- گوناگونی در طرح ها و بهره گیری از اندامهای گوناگون 2- جفت سازی در نیایشگاهها و کاخ های پذیرایی 3- پاد جفت سازی (ناقرینگی) در کاخهای مسکونی و خانه ها 4- درونگرایی با بهره گیری از میانسرا 5- شکوه و عظمت دادن به ساختمانهای بلند و ساختن بناهای بلند.

از دید نیارش: 1- بهره گیری از سقف های خمیده و گنبدی (تاق آهنگ و نیم گنبد) 2- بهره گیری از چفدهای مازه دار برای اتاقها و گنبدها 3- پی سازی با سنگ لاشه 4- گوشه سازی چوبی، سکنج، ترمبه و فیلیپوش در زیر گنبدها 5- مصالح بومی، سنگ لاشه، خشت و آجر، ملات گیر چارو

از دید آرایه: 1- گچ بریها با خطوط شکسته و خمیده 2- بهره گیری از کنگره ها و کوردرها (درگاهی که بسته باشد) در نمای ساختمان. شیوه خراسانی:

بناهای معروف این دوره عبارتند از: 1- مسجد جامع فهرج (یزد) 2- تاربخانه دامغان 3- مسجد جامع اصفهان 4- مسجد جامع اردستان 5- مسجد جامع نائین 6- مسجد جامع نیریز.

از شش شیوه معمار ایران، دو شیوه پارسی و پارتی از پیش از اسلام و چهار شیوه خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی از آن دوران اسلامی هستند و بدنبال دگرگونی های پس از آمدن اسلام به ایران، پدیدار شدند. شیوه خراسانی از سده نخست هجری تا سده چهارم ادامه یافت، در این دوره بدلیل ظهور اسلام، ساختمانها مردم وارتر شدند، اما پس از شیوه خراسانی، در شیوه های رازی و آذری دوباره ساختمانها را

شکوهمند ساختند و از مردم واری دور شدند. در شیوه های پیشین بنابر شرایط، ساختمان سازی کیفیت ویژه ای می یافت. برای نمونه در شیوه پارسی ساختمانها با سنگ پاکتراش و با ریزه کاری بیشتری می ساختند، اما در دوره دوم (پارتی) چون به ساختمانهای بیشتری نیاز داشتند، ساختمانها را با سنگ لاشه می ساختند بدین گونه کیفیت ساختمان سازی افت می کرد. این پدیده پس از اسلام هم رخ داد، روشن است که ساختمانهای شیوه آذری هرگز با کیفیت شیوه رازی که پیش از آن بود ساخته نمی شدند، یا در شیوه اصفهانی ساختمان با شتاب بیشتری ساخته می شد چون به تعداد بیشتری بنا نیاز داشتند، پس از کیفیت کاسته شد و تعداد بنا افزوده شد. و بدلیل ازدیاد ساختمان و فرصت کم، از کیفیت کاسته شد. از دیدگاه نیارشی معماری خراسانی با شیوه پارتی تفاوتی نکرد. در این شیوه هم چفدهای مازه دار (بیزی یا مرغابه ای) بکار رفت، اما بلندای پاکار چفت را کم کردند، معمولا کمی بیش از بلندای قد انسان در نظر می گرفتند و این چنین بلندای ساختمان را کوتاه می ساختند. بیشتر تاق ها، آهنگ و با چفدهای مازه دار بود، و از تاق چهار بخش یا کلنبو بکار گرفته نشده است.

ساختمایه (مصالح) که در شیوه خراسانی بکار رفته «بوم آورد یا ایدری (اینجایی)» بوده است. یکی دیگر از بناهای خاص که در دوره خراسانی پدیدار شد مساجد بودند. معماری مسجدهای اولیه برگرفته از مسجد مدینه بود.

بطور کلی ویژگی های معماری خراسانی بدین شرح بود: 1- مردم واری 2- سادگی بسیار در طراحی 3- پرهیز از بیهودگی 4- بهره گیری از مصالح بوم آورد

یکی از اصیل ترین ساختمانهای شیوه خراسانی، مسجد جامع فهرج می باشد. این مسجد ویژگی های نیارشی، شیوه پارتی را داراست. یکی از ویژگی های جالب این مسجد، نقش درهای ساسانی است که با گچ بر روی دیوار شرقی نگاشته شده است. بطور کلی معماری این مسجد، بجز نقشه آن چیز تازه ای است، معماری دوره پارتی (ساسانی) است. در این مسجد کنگره هایی از تخت جمشید نیز دیده می شود که این امر در معماری آنزمان شگفت آور است.

یکی از کهن ترین و مهم ترین بناهای شهر اصفهان، مسجد جامع یا مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) می باشد. در این دوره در مساجد از شبستانهای ستوندار با حالتی ساده و بدون تزئینات استفاده شده است.

در این دوره (خراسانی) از گچ بریهای زیبا و تزئینی پرهیز شده است. و سادگی مهم ترین ویژگی این دوره است.

شیوه رازی:

بناهای مهم این دوره عبارتند از 1- مقبره امیر اسماعیل سانی (بخارا) 2- گنبد قابوس 3- برج های خرقان 4- مسجد جامع اصفهان 5- رباط شرف 6- مسجد جامع زواره 7- مسجد جامع اردستان 8- گنبد سرخ مراغه

شیوه رازی چهارمین شیوه معماری ایران است که همه ویژگی های خوب شیوه های پیشین را به بهترین گونه دارا می باشد. در این دوره، شیوه نغزکاری شیوه پارسی، شکوه شیوه پارسی، ویژه کاری شیوه خراسانی با هم پدیدار می شود. آغاز این شیوه هر چند از شمال ایران بوده، اما در شهرهای (شهر ری) پا گرفته و بهترین ساختمانها در آن شهر ساخته شده اند. این شیوه از زمان آل زیار تا خوارزمشاهیان ادامه داشت. فرهنگ و تمدن اسلامی در این دوره به حد اعلای تکامل و پیشرفت خود رسید. شهر روی، یا راز محل پیدایش و رشد شیوه رازی، در این دوره بنا بر نقل قولهای موجود بسیار آباد بوده است. در شیوه رازی ساختمانهایی با کارکردهای گوناگون پدید آمدند، مانند آرامگاههای برجی و میل ها. آرامگاههای برجی بیش به ریخت چهارگوشه، پنج گوشه، شش گوشه، هشت گوشه، استوانه و گرداگرد آنها

پره دار یا ساده ساخته می شد. نمونه پره وار گنبد قابوس می باشد. میل ها برجهای راهنما برای مسافران در بیابان بودند و افزودن بر راهنما بودن، گور سازنده خود نیز بوده اند (میل رادکان). در این دوره (رازی برخی مسجدهای دارای شبستان ستوندار به چهار ایوانی دگرگون شدند. به این صورت که با برداشتن ستونهای نزدیک به محراب مسجد و ستونهای میانی در پهلوهای میانسرا، مسجد را به میانسرای با چهار ایوان و یک گنبدخانه، روی طرح شبستانی، تبدیل کردند.

در شیوه رازی ساخت تاق و گنبد بسیار پیشرفت کرد و گونه های چغد تیزه دار برای اتاق و گنبد بکار رفت. به جای تاق ساده آهنگ (شیوه خراسانی) از تاق های چهار بخش، کاربردی و چهار ترک بهره گیری شد. گنبدها نیز به روشهای گوناگون ساخته شدند. گنبد گسسته رک در شمال ایران مثل گنبد قابوس و گنبد گسسته نار در برج های خرقان و دگرگونه پیشرفته آن در شیراز بگونه ترک وار ساخته شد. و دو پوسته بودن گنبد در این دوره رایج شد. نمونه کامل گنبد ترکیبی با تویزه در این دوره ساخته شده. خلاصه روش گنبدسازی در این دوره به اوج پیشرفت رسید. در شیوه رازی، ساختمان از بنیاد و پای بست با مصالح مرغوب برپا می شود و آجرهای کوچک و بزرگ و نازک و بستر نمای آن را می آراست. یکی از مصالح های مهم در این دوره آجر پیش بر است که بگونه سفال لعاب دار یا

بی لعاب بکار رفته است. و آنرا رایج ترین نگهدارنده نمای ساختمان می دانستند. در شیوه رازی گونه های نگاره با خطوط شکسته و مستقیم که بیشتر با آجر کار شده یافت می شود، نیز گره سازی با آجر و کاشی (گره سازی درهم) که «معقلی» نامیده می شود، در این دوره آغاز شد. در این روش تکه هایی از کاشی همانند نگین و بگونه ساده در میان آجرچینی بکار برده می شود که نمای زیبایی را بوجود می آورد. گچ بریهای این دوره با نغز کاری بسیار بکار رفته است. که عبارتند از: 1- گچ بری شیرشکری 2- گچ بری برجسته 3- گچ بری زبره 4- گچ بری برهشته (برجستگی زیاد). از دیگر آرایه (تزئینات) این دوره تاق تیکانه می باشد مثل تاق روی محراب مسجد جامع نائین. گنبد قابوس در این دوره خوش تناسب ترین ساختمان می باشد. در این دوره (رازی) منبر مشهور الجایتو در کنار محراب الجایتو در مسجد جامع اصفهان ساخته شد که بسیار زیبا می باشد. در این دوره در نیارش ساختمان دقت بسیاری می شد، مثلا با توجه به زلزله خیز بودن قزوین، مسجد جامع قزوین بصورت استوار برجای مانده است. چند بنای مهم شیوه رازی که در مراغه ساخته شده عبارتند از:

- 1- گنبد سرخ مراغه 2- برج استوانه ای در مراغه 3- گنبد کبود مراغه. «خلاصه مطلب این است که شیوه رازی شیوه ای بی همتاست».

شیوه آذری:

- آثار مهم این دوره عبارتند از: 1- مقبره سلطانیه (زنجان) 2- مسجد علیشاه (تبریز) 3- مسجد جامع ورامین 4- مسجد جامع یزد 5- خانقاه شیخ عبدالصمد (نطنز) 6- مسجد گوهرشاد 7- مدرسه غیاثیه خرگرد 8- مسجد میرچخماق یزد 9- مسجد بی بی خانم (سمرقند) 10- گور امیر (سمرقند) 11- مسجد کبود (تبریز)

سرزمین آذربایجان در معماری ایران در دوره نخست اهمیت جای دارد. چرا که سه شیوه معماری ایران (پارسی، آذری، اصفهانی) از آنجا سرچشمه گرفته و به سراسر کشور رسیده است. شیوه آذری دارای دو دوره است، نخست از زمان هولاکو و پایتخت شدن مراغه و دوره دوم از زمان تیمور و پایتختی سمرقند آغاز شد. ویژگی های زمانی در این شیوه بسیار کارساز بود. در آن زمان نیاز به ساخت ساختمانهای گوناگون زیادی بود که می بایست هر چه سریعتر آماده شوند. از همین رو در روند ساختمان سازی شتاب می شد. پس به پیمون بندی و بهره گیری از عناصر یکسان (مانند کاربندی) روی آوردند تا دستاوردشان بانوام و سازوار باشد. افزودن بر این با از میان رفتن شماری از هنرمندان و معماران (در پی محله مغول) در دوره نخست این شیوه، ساختمانهایی ساخته شد که در آن کاستی ها و نادرستی هایی هم پدید آمد. حتی در گزینش جای برخی شهرها اشتباه کردند. برای مثال، الجایتو (مغول) چون چمنزار سلطانیه را دوست داشت، آنجا را

پایتخت قرار داد، اما بی توجه به اینکه این مکان از نظر گنجایش ورودیها بسیار ضعیف می باشد و کش یک شهر پایتختی را نداشت. یکی از ویژگی های این دوره بهره گیری بیشتر از هندسه در طراحی معماری است. گوناگونی طرحها در این شیوه (آذری) بیشتر از همه می باشد. بهره گیری از هندسه و تنوع در طراحی در تهرانگ ساختمان در «نهاز» یعنی بیرون زدگی در کالبد و «نخیر» یعنی تو رفتگی در آن نمودار می شود. و همچنین در شیوه آذری ساختمانهایی با اندازه های بسیار بزرگ ساخته شد که در شیوه های پیشین مانند نداشت. انواع نقشه ها با میانسرای چهار ایوانی برای مساجد و مدرسه ها بکار رفت. آرامگاهها همچون گذشته برونگرا و بیشتر با تهرانگ چهار گوشه و دارای گنبدهای دو پوسته گسسته ناری هستند. در شیوه آذری دگرگونی هایی در نیارش ساختمان رخ داد، در دوره نخست آن که زمان آمیختگی شیوه های پیشین با معماری بومی آذربایجان بود، از چفد کلیل آذری که در آن سرزمین روایی بود بهره گیری شد. همچنین در این شیوه چفد پنج اوهفت را دگرگون کرده، چفت بدست آمده پادپاری چفت پنج اوهفت را نداشت و زیر بار ترک بر می داشت، در این شیوه (آذری) چفد چمانه بسیار بکار رفت. گنبدی که با چفد چمانه زده می شود «سبویی» نام دارد. در این شیوه از چفد شبدری تند و کند در ساخت پوشش بیرونی گنبد و در گنبدهای دو پوسته گسسته ناری بهره گیری شد، چون افزودن بر پوشاندن ساختمان، پاسخی به

جنبه شکلی و نمادی نیز بوده است، بسیاری از ساختمانهای خراسان بزرگ دارای این گنبد هستند. در این شیوه از چند گونه تاق بهره گیری شد مانند تاق آهنگ، تاق کلنبو و تاق و تویزه که میان تویزه های آن به دو روش کجاوه و خوانچه پوش پر شده است. بطور کلی از کاربرندی برای پدید آوردن اندام های یکسان در ساختمان بکار می بردند. در این دوره (آذری) بر خلاف شیوه رازی، نخست ساختمان با خشت و آجر و سنگ لاشه یا کلنگی، با شتاب و بگونه زبره (بدون نما) سفت کاری می شد، پس آمود و نماسازی به آن افزوده می شد (در این روش دیگر آن استحکام دوره رازی را نداشت چرا که در شیوه رازی همزمان با ساخت نما تواما ساخته می شد که باعث استحکام ساختمان می شده است). در شیوه آذری گاهی برای نماسازی از آجر با کاشی و گره سازی درهم (معقلی) استفاده می شد. کم کم از کاربر آجر کاسته شد و جای آن را کاشی (سفال لعابدار) و سفال نگارین با نگاره برجسته (مهری) گرفت.

یکی از گونه های آمود (نماسازی)، کاشی تراش یا معرق بود که تا پیش از این دوره کمتر بکار گرفته می شد. کاشی تراش یا معرق در این شیوه (آذری) بسیار پیشرفت کرد. سپس در دوره دوم این شیوه (آذری) بهره گیری از کاشی هفت رنگ و کاشی خشتی در برخی ساختمانها باب شد. این گونه بیشتر در خراسان بزرگ یافت می شود. با شکوهمندترین ساختمان شیوه آذری یا شاید کل معماری ایران

گنبد سلطانیه است. که تهرنگ این گنبد هشت پهلو می باشد، گنبد آن دو پوسته پیوسته است. ، خود (پوشش بیرونی) آن را روی دنده های باربر ساختند که گنبد سبویی را پدید آورده. مهم ترین ابتکار گنبد دو پوشش با قشرهای تقریباً موازی و نزدیک به هم با فرم ساختمانهای دنده ای و بافت آجری که در ساختمان آن به هیچ وجه از اسکلت و مهار استفاده نشده است، بلکه بطور خودیار بنای گنبد شکل گرفته و ساخته شده. خلاصه در این دوره مهم ضعف این است که نما و صفت کاری جدا از هم می باشند که این امر باعث ضعف ساختمان ها شده است. در این شیوه (آذری) چون از کاشی در نمای ساختمان بسیار بهره گیری شده، ساختمان تا اندازه ای جلوه خود را از دست داد.

شیوه اصفهانی:

از بناهای معروف این دوره: 1- مسجد امام اصفهان 2- مسجد شیخ لطف ... 3- مدرسه خان شیراز 4- مجموعه گنجعلی خان 5- مسجد حکیم 6- چهلستون 7- هشت بهشت 8- مدرسه چهار باغ اصفهان 9- مدرسه امام (سلطانی) در کاشان 10- مدرسه آقا بزرگ (کاشان).

شیوه اصفهانی آخرین شیوه معماری ایرانی است، خواستگاه این شیوه در آذربایجان بوده اما در اصفهان رشد کرده است و بهترین بناهای این دوره در اصفهان ساخته شده، شیوه اصفهانی به نوشته غریبها دربرگیرنده دوره ها و شیوه های (صفوی افشاری، زند و قاجار) می باشد.

این شیوه پس از روی کار آمدن صفویان آغاز ش. بازار اصفهان یکی از زیباترین بازارهای ایران در این دوره می باشد.

ویژگی های این دوره به نقل ذیل می باشد: از دید معماری: 1- ساده ترین طرحها در این دوره است که در بیشتر ساختمانها، فضاها مربع

یا مستطیل هستند. 2- در شیوه قبلی (آذری) با بکارگیری یک هندسه قوی طرحهای پیچیده ای خلق شدند، اما در شیوه اصفهانی،

هندسه ساده و شکل ها و خطاهای شکسته بیشتر بکار رفت. 3- در تهرانگ ساختمانها نخیر و نهاز (پیش آمدگی و تو رفتگی) کمتر شد،

اما از این شیوه به بعد ساخت گوشه های پنج در ساختمان رایج شده 4- همچنین پیمون بندی و بهره گیری از اندام ها و اندازه های

یکسان در ساختمانها دنبال شد. 5- سادگی طرح در بناها هم آشکار شد.

از دید نیارش: در این دوره بدلیل تنگی زمان و کم شدن معماران چیره دست، کیفیتی بناها بسیار پایین آمد و دیگر ساختمانها را همچون

گذشته پایدار و ماندگار نمی ساختند. یکی از ویژگی های نیارشی در معماران ایران این بوده که همواره به نشست کلی ساختمان در روند

ساخت و اثر آن بر نماسازی توجه داشته اند. می دانیم که به مرور زمان ساختمان نشست خواهد کرد. در شیوه (رازی) زبره و نما یا سفت کاری و نازک کاری با هم انجام می شد، یعنی کار «همچین» می شد و برای اینکه نشست یکسان پدید آید، زبره را با نما هشت و گیر (برآمده و فرو رفته) یا با هم چفت و بست می کردند، اما در شیوه راز چون در ساختن شتاب زیادی داشتند، زبره و نما جداگانه ساخته می شدند، که این طرز ساخت در اثر نشت آسیب می دید. اما در روش و شیوه اصفهانی، روش هشت گیر کردن دوباره پی گیری شد، چون از دید فنی و نیارشی روش درست تری بود. همچنین در شیوه از همه گونه های تاقها و گنبدها بکار برده شد. گنبدهای گسسته میان تهی در بیشتر ساختمانها می توان یافت. مانند: گنبد مدرسه آقا بزرگ در کاشان. در این شیوه (اصفهانی) برخی مصالح را نخست دگرگون کرده و سپس بکار می بردند که این روش کیفیت ساختمان را پایین می آورد و به فن ساختمان نیز آسیب می زد. معماران گذشته هر مصالحی را به شکل نخست خود بکار می بردند، برای نمونه آجر را بدون تراشیدن و چوب را بصورت تنه درخت بکار می بردند. اما در شیوه اصفهانی از آجر آسباب (تراش خورده) استفاده می کردند و چون آجر را می تراشیدند درز میان آجرها در آجرچینی کم می شد. بدین گونه بندهای افقی و عمودی هم اندازه می شد. این نوع آجرکاری پس از زمانی که لبه آجرها می پرید، زشت می شد. در زمن

قاجار کوربندها را کنار گذاشتند و آجرها را بصورت پایلی (ذوزنقه) در آوردند. بدین گونه زاویه ای میان دو آجر پدید آمد، و باز پس از زمانی، لبه های آجر می پرید. در آجرچینی گونه ای گل همانند لعاب بکار می بردند که پس از زمانی نمای آجرچینی را آبله رومی کرد. در این دوره کاستی های زیادی بود که در دوره های قبل نبود. مانند پوشش های آویخته و دروغین، بی باکی و جسارت بیش از اندازه در پوشش گنبدها و آزادی بی حساب در جرزها و ستونهای باربر و بسیاری از این موارد که همگی از سر شتاب در ساختمان سازی بود، و به این دلیل استقامت ساختمان کاهش می یافت. یکی از بدترین کارهای دوره قاجار در شیوه اصفهانی، الگوگیری از معماری غرب بود، که در هیچیک از دوران معماری دیده نشده است.

از دید آرایه: در شیوه اصفهانی از همه آمودها (تزئین بعد از اتمام کار)ی شیوه پیشین بهره گیری شد. البته بیشتر از کاشی خشتی هفت رنگ به جای کاشی تراش (معرق) بهره گیری شد. برای بدست آوردن کاشی هفت رنگ روی کاشی سفید لعاب دار را نقاشی کرده و رنگ می زدند پس در کوره می پختند.

در این شیوه افزون بر کاشی تراش، از آجر و چوب هم بگونه خمیده بریده شده بهره می بردند که به آن قواره بری می گفتند. در این دوره از ملات گچ برای چسباندن کاشی استفاده می شد و چون گچ سست بود، تکه های کاشی یا آجر از کار زود کنده می شد.

در ابتدا جهت رنگ کاشی از رنگهای مرغوب و اصیل استفاده می شد، مثلا جهت رنگ آبی و خانواده آبی از لاجورد و برای بدست آوردن

رنگ زرد و قهوه ای و هم خانواده زرد از «روی سوخته» استفاده می شد و جهت بدست آوردن رنگهایی ارغوانی، زرشکی و سرخابی از

شنگرف (گوگرد و جیوه) استفاده می کردند، اما بدلیل کنارگذاری این روشها از رنگها دیگر استفاده شد و دیگر رنگ اصلیت و اصلتش را

از دست داد مثلا دیگر آن زرد لیموئی دوره صفویه دیگر دیده نشد و با استفاده از ترکیب رنگها ناب و رنگهای نامرغوب، باعث زشتی و

نازیبا شدن کار می شدند مثال آن در ساختمانهای قاجاری مانند کاخ گلستان مشهود است که در این کاخ به جای رنگ زرد لیموئی

دوران صفویه از رنگ زشتی استفاده شده که واقعا جای تاسف دارد چرا که این رنگهای نامرغوب، مرغوبیت رنگهای پیشین را هم از میان

بردند.

شیوه های بنیادی در معماری اسلامی

شیوه پاریسی

شیوه پارتی

شیوه خراسانی

شیوه رازی

شیوه آذری

شیوه اصفهانی